

خطاب به فعالین و تلاش گران جنبش کارگری:

## ایجاد تشکل های سراسری (اتحادیه ها، فدراسیون سراسری و حزب طبقه کارگر) چگونه و با کی؟

آیا جنبش ۲۰۰ ساله کارگری غیر از اتحادیه های سراسری و یا حزب سیاسی، ظرف دیگری برای تشکل یابی صنفی - سیاسی کارگران در بُعد سراسری تعریف کرده است؟

شاهرخ زمانی، زندان گوهردشت

مصاحبه صدای آمریکا با منصور اسانلو و تعریف و تمجید از «کانون مدافعان حقوق کارگر» به عنوان شعبه ای از سولیداریته سنتز توسط صدای آمریکا، در شرایطی اتفاق می افتد که اعتراضات و اعتصابات خود جوش کارگری به اوج رسیده است، به طوری که حتی تشکل های زرد دولتی مانند «خانه کارگر» و حسن صادقی هم «ضد سرمایه داری» شده و مجلس جمهوری اسلامی را مجلس سرمایه داری می نامند، یا افرادی «ضد سرمایه داری» مانند محسن حکیمی برای کند کردن برندگی تئوری های انقلابی مارکس به کمک بورژوازی شتافته، همکاری های گسترده فکری با نیروهای سرمایه داری در فریب کارگران پیش می برند، انجمن های صنفی دولت-ساخته تجمع های اعتراضی راه می اندازند، تا از درون جلوی امواج در حال گسترش و توفنده جنبش کارگری را کند کرده و به انحراف بکشند، به قول حسن صادقی: چندین سال قبل مجلسیان خانه کارگر را مسخره می کردند، فراموش کرده اند که خانه کارگر نگذاشته است اعتصابات پراکنده کارگری، سراسری شده و از کارخانجات بیرون بیاید که اگر خانه کارگر نبود تاکنون جمهوری اسلامی تحقیقاً توسط کارگران ۹ بار سرنگون می شد.

در چنین شرایطی تمامی جناح های داخلی و خارجی حاضر در صف سرمایه داری از طریق تشکل های زرد، و فعالین خود فروخته و شبه تشکل های شتر مرغی وابسته به سولیداریته سنتز و نیروهای «کارگر کارگری» ضد حزب یابی طبقه کارگر، در مقابله با رشد سراسری - توده ای و مستقل - انقلابی تشکل های پایدار طبقاتی کارگران، سازمانیافته و برنامه ریزی شده در صف سرمایه داری یا به شکل حافظ منافع سرمایه داری در درون صف طبقه کارگر به تکاپو افتادند.

در چنین وضعیتی سؤال اساسی این است که آیا علی رغم ضرورت کاری تبلیغی، ترویجی و سازمانگرانه برای ایجاد و گسترش تشکل های پایدار ما کارگران، و رفتار با دشمنان قسم خورده کارگران از هر جناحی که اکنون علیه ما بسیج شده اند، این است که با آن ها دست دوستی بدهیم؟

آیا با خاک پاشیدن به چشم پیشروان کارگری تازه کار و کم آگاه و نمک پاشیدن بر زخم پیشروان سابقه دار و با تجربه به جای شناساندن دوستان و دشمنان شان و کمک به انحرافات جنبش کارگری، همین کارگران یقه ما را در آینده ول خواهند کرد؟

رفقا و دوستان:

تاریخ دویست ساله جنبش کارگری، حزب سیاسی و اتحادیه سراسری را به عنوان تشکل پایدار، کمیته ها و شوراهای انقلابی، کنترل و نمایندگان را در شرایط انقلابی ابزار سرنگونی و برقراری حاکمیت طبقه کارگر به ظهور رسانده و تثبیت کرده است.

بر خلاف سفسطه خائنین ضد کارگر مانند جریان کارگر کارگری، تشکل های پایدار طبقه کارگر یعنی اتحادیه و حزب در شرایط فقر و گرسنگی تزیینی، از خود بیگانگی، ناآگاهی، بی برنامهگی، مخصوصاً در شرایط هار

سرکوب خونین و تسلط ایدئولوژی سرمایه داری، فقط و فقط با تلاش و پیگیری و برنامه ریزی فعالین و پیشروان کارگری ممکن می گردند، و با استفاده از آگاهی و تجربه طبقاتی تاریخ جنبش کارگری ایران و جهان و با استفاده از ابتکارات و تلاش شبانه روزی آن ها، ساخته می شوند.

من به طور مشخص پیشنهاد می کنم، تمامی نحله های کارگری صرف نظر از اختلافات نظری، شورای مؤسس و فدراسیون سراسری مرکب از تشکل های صنفی و تشکل های فعالین موجود ایجاد نکنند. تا در جهت غلبه بر پراکندگی و غلبه بر موانع ایجاد تشکل های سراسری حرکت کنند، بدین طریق است که تشکل سراسری می تواند بر پایه نیروی توده ای برای خود کارگران و در محیط کار و محل زندگی کارگران، ضمن تکیه گاه بودن برای مبارزات سالم کارگری از نیروهای واقعی و سالم کارگری تغذیه نماید، در غیر این صورت به حوزه های دشمن تکیه خواهند داشت و حاصل تلاش و مبارزه طبقه کارگر را به جیب دشمنان خواهند ریخت.

**زندانی گوهر دشت**

**شاهرخ زمانی**

**۱۳۹۳/۹/۷**